

پاکستان و پژوهش در سیاست خارجی

زیبا فرزین نیا^۱

طرح و تدوین سیاست خارجی پیویا و فعال مستلزم برنامه‌ریزی است. این امر در کشورهای مختلف نه تنها توسط وزارت امور خارجه پی‌گیری و اقدام می‌شود، بلکه از طریق مؤسسات تحقیقاتی و مطالعاتی، نیز طراحی می‌شود. روشن است که در کشورهای پیشرفته مؤسسات مختلف خصوصی و دولتی و گروه‌های ذینفوذ هر یک برای دست‌یابی به اهداف خود این‌گونه مؤسسات را تأسیس کرده و در جهت اهداف خود برنامه‌ریزی می‌کنند، در کشورهای در حال توسعه این روند آهسته‌تر و در مراحل ابتدایی‌تر قرار دارد. ولی با الگوگیری از کشورهای توسعه یافته این مؤسسات ایجاد شده و برنامه‌ریزی در زمینه سیاست خارجی را به عهده دارند. بعضی از این مؤسسات بازوی راهنمای طراحی و تدوین سیاست خارجی هستند و در جهت منافع ملی کشور برنامه‌ریزی می‌کنند و برخی از این مؤسسات با اهداف خاص شخصی و گروهی طراحی شده در این زمینه به طراحی سیاست خارجی مورد نظر خود می‌پردازند. در این مقاله تلاش بر این است که نقش مؤسسات مطالعاتی در زمینه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در کشور پاکستان مورد بررسی قرار گیرد از این رو لازم است که با روند شکل‌گیری سیاست

۱. زیبا فرزین نیا، رئیس اداره انتشارات و کارشناس پاکستان در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

خارجی پاکستان و تصمیم‌گیران در این زمینه آشنا شویم. بدین منظور ابتدا نگاهی کوتاه به ساختار سیاسی این کشور ضروری است. سپس روند شکل‌گیری سیاست خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن معرفی کوتاهی از عمده‌ترین مؤسسات مطالعاتی پاکستان در زمینه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ارائه می‌شود و این که این مؤسسات در صدد دست‌یابی به چه اهدافی هستند؟ ابزارهای کاری این مؤسسات چیست؟ رهبران این مؤسسات چه افرادی هستند؟ این مؤسسات به چه میزانی در سیاست خارجی پاکستان تأثیرگذار هستند؟

ساختار سیاسی پاکستان

پاکستان را می‌توان به عنوان کشور تحت نظارت پراتور (گارد محافظ امپراتور روم باستان) نامید، زیرا ارتش تجربه کافی در خصوص سلطه بر رویه‌ها و نهادهای اصلی سیاسی کشور را به دست آورده است. به دلیل پراکندگی و ضعف نیروهای سیاسی، هرگونه تمایل ارتش سیر تحول سیاسی از جمله انتقال قدرت از یک گروه نخبه به گروه دیگر و نیز امور کشورداری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امرای ارتش در امور به اصطلاح مربوط به منافع حرفه‌ای و گروهی خود و در تصمیمات مهم سیاسی دخالت نموده و اگر رقابت سیاسی میان گروه‌های غیرنظامی و نهادهای دولتی دچار بی‌نظمی شود، در این صورت نقش میانجی را به عهده می‌گیرند. چنین نقش گسترده‌ای مغایر با سنن و روال کار ارتش در زمان کسب استقلال در ماه اوت ۱۹۴۷ میلادی است. پس از درگذشت پدران مؤسس کشور یعنی قائد اعظم (محمدعلی جناح) و قائد ملت (لیاقت علی خان اولین نخست‌وزیر پاکستان پس از زمان استقلال) دستگاه حاکمه نظامی شکل گرفته و سرنوشت پاکستان را به عهده گرفت.

به روال عادی یک کشور، دستگاه حاکمه پاکستان، متشکل از ائتلاف گروه‌های دارای منافع متباین و معتقد به حفظ وضع موجود می‌باشد. اما از آنجا که از ابتدای استقلال پاکستان همواره مورد تهدید هند بوده و هست ارتش در دستگاه حاکمه پاکستان اهمیت و قدرت بیشتری یافت. ارتش در کنار دیگر اقشار بانفوذ در پاکستان نظیر فئودال‌ها، تجار بزرگ و مسئولان بلندپایه

بوروکراسی قرار گرفت.

در ابتدا ارتش سنن انگلیسی مبنی بر برتری غیر نظامیان بر ارتش، دوری جستن ارتش از فعالیت سیاسی، تعهد به حرفه گرایی و کمک به مقامات غیر نظامی در صورت برهم خوردن نظم و آرامش و یا آفات طبیعی و بحران‌های ملی را به ارث برده لیکن به تدریج نقش آن گسترش یافت. در مرحله نخست ارتش به عنوان بازیگری برجسته در روند تصمیم‌گیری به ویژه در امور دفاعی و امنیتی جلوه گر شد. در سال ۱۹۵۸ ژنرال (و بعد ارتشبد) محمد ایوب خان رئیس ستاد ارتش (۱۹۵۸-۱۹۵۱) دولت متزلزل غیر نظامی را برانداخت و تا سال ۱۹۶۲ حکومت نظامی را ادامه داد. وی قانون اساسی ریاست جمهوری را به معرض اجراء گذاشت و در نتیجه این اقدامات، نظامیان به واسطه همکاری با بخشی از نخبگان غیر نظامی با خوی دیوان‌سالاری غیر نظامی آشنا شدند. در ماه مارس ۱۹۶۹ ژنرال یحیی خان رئیس ستاد ارتش (۷۱-۱۹۶۶) پس از استعفای ایوب خان زمام قدرت را به دست گرفت و به این ترتیب قانون اساسی مصوب ایوب خان را لغو نمود. یحیی خان حکومت نظامی اعلام نموده و تا دسامبر ۱۹۷۱ بر سر قدرت ماند. سپس به دنبال شکست ارتش پاکستان در مقابل هند در پاکستان شرقی (بنگلادش کنونی) او وادار به انتقال قدرت به رهبری غیر نظامی یعنی ذوالفقار علی بوتو شد.^(۱)

ذوالفقار علی بوتو موقتاً موفق به اثبات برتری حکومت غیر نظامی گردید. در ابتدای امر وی از حمایت عامه مردم بهره‌مند بود در حالی که جایگاه ارتش به علت ماجرای پاکستان شرقی به طور مهبجی متزلزل شده بود ولی موفقیت وی پایدار نماند. با فرارسیدن سال ۱۹۷۷ ارتش شوک سال ۱۹۷۱ را پشت سر گذاشته و مجدداً قادر به بازیابی خود شده بود. فرماندهان ارشد ارتش وقتی درک نمودند که رژیم بوتو اعتبار مردمی خویش را از دست داده و بقایش بدون پشتیبانی ارتش امکان‌پذیر نیست، مجدداً ابتکار سیاسی را به دست گرفتند.

ژنرال ضیاء الحق رئیس ستاد ارتش (۱۹۸۸-۱۹۷۶) در ماه ژوئیه ۱۹۷۷ کودتای سوم را رقم زد و حکومت نظامی خود را تا سال ۱۹۸۵ تداوم بخشید. سپس وی مبتکر یک سیستم سیاسی شد و با احتیاط کامل انتخابات غیر حزبی را در ماه فوریه ۱۹۸۵ برگزار نمود تا بلکه از این طریق

حاکمیت خود را مبدل به حاکمیت غیرنظامی سازد. ضیاءالحق هرچند حکومت نظامی را در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۸۵ رسماً منحل اعلام نمود، اما زمام قدرت را تا ۱۷ اوت ۱۹۸۸ که بر اثر سقوط هواپیما جان سپرد، در دست داشت.^(۲)

پس از مرگ وی فرماندهان ارشد به رهبری میرزا اسلم بیگ رئیس ستاد ارتش از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ اجازه دادند مقررات قانون اساسی به مورد اجرا گذارده شود و بدین وسیله زمینه را برای برگزاری انتخابات و انتقال قدرت به دولت منتخب مردمی هموار نمودند. در هر حال رهبران ارتش مراقب فعالیت کابینه مرکزی و کابینه‌های ایالتی بودند و هراز گاهی در رابطه با منافع حرفه‌ای و گروهی خود اقداماتی انجام می‌دادند. رئیس ستاد ارتش نقش محور ساختار سیاسی را ایفا می‌کرد. نفوذ وی از طریق مقام ریاست جمهوری اعمال می‌شد و در تحولات دولتی در ماه اوت ۱۹۹۰، آوریل و ژوئیه ۱۹۹۳ و نوامبر ۱۹۹۶ و نیز در دعوی میان سجاد علی شاه رئیس دیوان عالی کشور، رئیس جمهور فاروق احمد لغاری و نخست وزیر نواز شریف از اکتبر تا دسامبر ۱۹۹۷ نقش مهمی را ایفا نمود. ارتش هم‌چنین در صحنه سیاسی از طریق سرویس‌های اطلاعاتی در زمینه تشکیل ائتلاف‌های سیاسی، تنظیم روند انتخابات و مراقبت از سلیقه کاربرد قدرت توسط رهبران سیاسی، اعمال نفوذ می‌نمود.

چهارمین و تازه‌ترین کودتای نظامی در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۹۹ در مخالفت با اقدامات نخست وزیر نواز شریف در خصوص کنترل ارتش، پس از تابع نمودن پارلمان، دیوان عالی کشور و ریاست جمهوری یک واکنش بنیادین از سوی رهبران ارتش محسوب می‌شد. استعفای جهانگیر کرامت رئیس ستاد ارتش (۱۹۹۸-۱۹۹۶) در اکتبر ۱۹۹۸ یعنی سه ماه قبل از موعد بازنشسته شدن وی به سبب اظهار ناخشنودی شدید نواز شریف نسبت به اظهارات علنی وی در خصوص مسائل سیاسی، زمینه این سوء قضاوت نواز شریف و مشاورین غیرنظامی وی را فراهم ساخت که می‌توانند رئیس آینده ستاد ارتش یعنی ژنرال پرویز مشرف را نیز برکنار نموده و به جای وی یک پار خود را به سمت ریاست ستاد ارتش منصوب نمایند. این استراتژی نتیجه معکوس به بار آورد و موجب کودتای ژنرال مشرف شد.

با مروری کوتاه بر نقش ارتش در ساختار سیاسی پاکستان مشاهده می‌کنیم که بزرگ‌ترین لحظه آزمایش دستگاه حاکمه نظامی در سال ۱۹۶۹ به وقوع پیوست یعنی هنگامی که این خطر وجود داشت که خیزش عمومی حاکمیت موجود را براندازد. نتیجتاً ارتش، ارتشبد ایوب خان را "بارگران سیاسی" تشخیص داده و از حمایتش دست کشید. بنابراین انتخابات عمومی به عنوان سوپاپ اطمینانی جهت دفع احساسات فشرده مردمی برگزار شد. در سال ۱۹۷۱ عقیده دستگاه حاکمه مبنی بر "مرکز قوی" در قبال رستاخیز ملی‌گرایی بنگالی خنثی گردید و چون نتوانست وحدت کشور را حفظ نماید در نتیجه از هم فروپاشیده و انتقال قدرت به سیاست‌مداران را الزامی دانست. چالش دیگر در سال ۱۹۸۸ پیش آمد یعنی در زمانی که دستگاه حاکمه نظامی یا نتوانست رئیس خود را حفظ نماید و یا این که نقش پنهانی در کشتن وی داشت. در پی قتل ژنرال ضیاءالحق برگزاری انتخابات و انتقال قدرت به سیاست‌مداران ناگزیر شد در سال ۱۹۹۹ با کودتای نظامی ژنرال مشرف مجدداً ارتش نقش محوری را در اداره امور کشور به عهده گرفت. ژنرال مشرف سعی کرد با برگزاری انتخابات در سال ۲۰۰۲ حاکمیت خود را به یک حاکمیت غیر نظامی تبدیل سازد ولی نقش ارتش همچنان در ساختار سیاسی پاکستان برجسته می‌باشد.

با این مرور کوتاه مشخص شد که ارتش در ساختار سیاسی پاکستان نقش عمده‌ای را ایفا کرده است، اما در زمینه سیاست خارجی و روند شکل‌گیری آن چه عناصری مؤثر بوده‌اند؟

شکل‌گیری سیاست خارجی در پاکستان

سیاست خارجی پاکستان از دو زاویه هند و افغانستان به طور متناوب تحت فشار قرار دارد. پس از استقلال پاکستان به طور مداوم با هند درگیر بوده است. پاکستان به دلیل اقتدار نظامی و سلطه هند در منطقه این کشور را تهدیدی نسبت به موجودیت و از دست دادن حاکمیت خود می‌بیند. رهبران پاکستان همواره به دنبال شرکایی در سیاست خارجی بوده‌اند که به برقراری موازنه میان هند و پاکستان کمک نمایند و تهدید هند برای این کشور را کاهش دهند. بر این اساس پاکستان در دهه ۱۹۵۰ به امریکا و در دهه ۱۹۶۰ به چین روی آورد.

از ابتدای استقلال پاکستان این کشور همچنین درگیر اختلافات مرزی با افغانستان بوده است. اکثر دولت‌های افغانستان با پاکستان دشمنی داشته‌اند و با هند همکاری می‌کردند. اما با اشغال افغانستان به وسیله اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۷۹، آمریکا در جهت مقابله با نفوذ کمونیسم سیل کمک نظامی و اقتصادی خود را به سوی پاکستان روانه ساخت تا از این طریق مبارزه در افغانستان بر علیه کمونیسم تقویت شود.

با این نگاه کوتاه مشخص است که نقش رهبران نظامی در سیاست خارجی پاکستان نیز قابل توجه است.

شعار "ایدئولوژی پاکستان" که جزو واژه‌نامه رسمی گردید در رژیم دوم نظامی ژنرال یحیی خان در سال ۱۹۷۰ مصطلح شد در حالی که کلمه "جهاد" در اصطلاح رسمی در سال ۱۹۷۶ زمانی ایجاد شد که ژنرال ضیاءالحق به دنبال انتصابش به سمت ریاست ستاد ارتش به دستور ذوالفقار علی بوتو به ارتش پاکستان شعار نوین رسمی خود یعنی "ایمان، تقوی و جهاد فی سبیل‌الله" را عرضه نمود.

در زمینه سیاست خارجی پیش‌بینی جهانی ضیاءالحق مبنی بر گسترش قلمرو پاکستان تا رود آمو (مرز افغانستان و آسیای مرکزی شوروی سابق) با نقش فوق‌العاده بزرگ ارتش که به عنوان مدافع مرزهای عقیدتی کشور تعریف گردیده بود، پس از وی بی‌ارزش تلقی شد.

به دنبال شکست ارتش سرخ و خروجش از افغانستان در سال ۱۹۸۹ که مصادف بود با کاهش علاقه آمریکا نسبت به دو کشور افغانستان و پاکستان، فرصت تأسیس تحول جدیدی در منطقه چندین برابر مساعد گردید. ارتش پاکستان در قبال افغانستان پس از اتحاد شوروی کمتر به عنوان نقطه آغازین ساختن آینده‌ای نوین با هماهنگی سایر همسایگان که آنها نیز در افغانستان دارای منافع بودند، نگاه می‌کرد. در عوض این موقعیت بیشتر به عنوان فرصتی برای به وجود آوردن "قلمرو نفوذ" درک و دنبال شد. تصورات غیرواقع‌گرایانه امنیت ملی در لفاف ایدئولوژی نادرست تعریف شده، عامل محرکه سیاست خارجی پاکستان بودند. این امر سبب ایجاد تنش و اختلاف در روابط خارجی پاکستان با برخی از کشورها نظیر ایران شد. نتیجه قابل پیش‌بینی چنین سیاست خارجی اشتباهی در قالب دسته بندی بی‌سابقه ایران، کشورهای آسیای مرکزی، ترکیه،

چین، روسیه، هند و امریکا علیه طالبان و مریبان آن متجلی گردید.^(۳)

پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ سیاست‌های بیست سال گذشته دستگاه حاکمه که عبارت بودند از "عمق استراتژیک" در افغانستان و "جهاد" در کشمیر، با در نظر داشتن واقعیات نوین جهانی به ویژه جنگ بر ضد تروریسم به رهبری امریکا تغییر یافتند. قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پشتیبانی از طالبان جزو منافع ملی محسوب می‌شد ولی پس از ۱۱ سپتامبر مخالفت با طالبان جزو منافع ملی گردید.

از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۹ در عرصه سیاست خارجی پاکستان کشمیر به استثنای اظهارات لفظی گاه و بی‌گاه در مجامع بین‌المللی در خصوص حقوق مردم کشمیر یک عامل واقعاً غیرمهم تلقی می‌شد. زمانی که شورش مردمی وسیع خودجوش بومی در سال ۱۹۸۹ در کشمیر اشغالی آغاز گردید، پاکستان از این مبارزه آزادی‌خواهانه تا سال ۱۹۹۴ یعنی هنگامی که به این جنبش نام جهاد گذارده شد، حمایت به عمل می‌آورد. پس از ۱۱ سپتامبر این جنبش مجدداً نام حرکت آزادی خواهانه را گرفت.

مقامات پاکستانی پس از ۱۱ سپتامبر در ابتدا در صدد تغییر نظر امریکا نسبت به افغانستان بودند. ژنرال مشرف هنگام اولین ملاقات خود با بوش رئیس جمهور امریکا در نیویورک در مورخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ این موضع علنی را اتخاذ نمود که امریکائیان نباید به ائتلاف شمال اجازه تصرف کابل را بدهند. سه روز بعد ائتلاف شمال با برخورداری از حمایت امریکا پیروزمندانه پس از فرار طالبان وارد کابل شدند.

بر اثر تحول اساسی نگرش جهانی و عقیدتی دستگاه حاکمه نظامی به تدریج از جمله انگاره‌هایی نظیر "عمق استراتژیک" که زیربنای سیاست‌های خارجی و داخلی کشور بودند، پس از ۱۱ سپتامبر بر مبنای اظهارات ژنرال مشرف لغو گردید. این امر با توجه به واقعیات نوین بین‌المللی بوده که سیاست خارجی پاکستان را ۱۸۰ درجه تغییر داده و پی‌آمدهایی را برای ساختار سیاسی داخلی پاکستان در برداشته است نمونه این‌گونه وقایع در کشورهای دیگر نیز دیده می‌شد.^(۴)

بامرور کوتاه سیاست خارجی پاکستان مشاهده می‌شود که رهبران نظامی در شکل‌گیری

تصمیمات در دو مسأله عمده سیاست خارجی پاکستان یعنی مسأله افغانستان و هند نقش عمده‌ای را ایفا کرده‌اند، این سیاست‌ها پیامدهایی را در زمینه‌های مختلف به دنبال داشته است. اما مؤسسات تحقیقاتی در این روند چه نقشی داشته‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است ابتدا با عمده‌ترین مراکز مطالعاتی در زمینه سیاست خارجی پاکستان آشنا شویم.

عمده‌ترین مراکز مطالعاتی پاکستان

مراکز و مؤسسات مطالعاتی فراوانی در پاکستان در زمینه سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی در شهرهای مختلف این کشور فعالیت می‌کنند. نتایج تحقیقات این مراکز در وزارت خارجه و دیگر نهادهای سیاسی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

قدیمی‌ترین مرکز مطالعاتی پاکستان در زمینه امور بین‌المللی در اوت ۱۹۴۷ به نام مؤسسه امور بین‌الملل پاکستان^۱ در کراچی تأسیس شد و رسماً در ۲۶ مارس ۱۹۴۸ توسط نخست‌وزیر وقت پاکستان لیاقت علی خان افتتاح گردید. از آنجا که پاکستان از جمله کشورهای مشترک‌المنافع است، این مؤسسه از مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل انگلیس الگو گرفته و رابطه نزدیکی با این مؤسسه دارد.^(۵)

مرکز تحقیقاتی دیگر، مؤسسه مطالعات استراتژیک اسلام‌آباد^۲ است که همکاری نزدیکی با وزارت امور خارجه پاکستان دارد. این مؤسسه در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد و مرکز تحقیقاتی برای تقویت دانش عمومی از مسائل مهم صلح و امنیت بین‌المللی است.

مؤسسه مطالعات منطقه‌ای اسلام‌آباد^۳ در مارس ۱۹۸۲ تأسیس شد. این مؤسسه در مورد مناطق اطراف پاکستان، آسیای جنوبی، آسیای جنوب غربی، ایران، افغانستان، چین، آسیای مرکزی و اقیانوس هند تحقیقاتی ارائه می‌دهد.

-
1. Pakistan Institute of International Affairs (PIIA)
 2. Islamabad Institute of Strategic Studies (IISS)
 3. Institute for Regional Studies

مرکز تحقیقاتی دیگر مؤسسه تحقیقات سیاسی اسلام آباد^۱ است. هدف این مؤسسه انجام مطالعات، مباحثات، تحقیق و تجزیه و تحلیل براساس منابع قابل دسترسی، با نظر به اهداف سیاست‌های بلند، کوتاه و میان مدت در مورد مسائل داخلی یا خارجی که به پاکستان ارتباط دارد، می‌باشد.^(۶)

بنیاد تحقیق برای توسعه و امنیت ملی (فرنندز)^۲ در سال ۱۹۹۱ به وسیله ژنرال اسلم بیگ در راولپندی افتتاح شد. این مؤسسه برای انجام تحقیقات در مورد مسائل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر بر امنیت و رفاه مردم پاکستان طرح‌ریزی شد، تا در یک محیط آزاد و روشنفکرانه بدون فشار، اجبار و یا نفوذ سیاسی و اجتماعی به تحقیق درباره این مسائل بپردازد.^(۷)

همچنین به منظور مطالعه و تحقیق در خصوص کشورهایی که پاکستان با آنها روابط گسترده دارد مراکزی در چند دانشگاه تأسیس شد، نظیر مرکز کشورهای عربی و خاورمیانه در دانشگاه بلوچستان، مرکز امریکای جنوبی و شمالی و افریقا در دانشگاه اسلام‌آباد، مرکز اروپا در دانشگاه کراچی، مرکز آسیای مرکزی در دانشگاه پیشاور، مرکز آسیای جنوبی در دانشگاه پنجاب و مرکز آسیای جنوبی و جنوب شرقی در دانشگاه سند.^(۸)

مراکز فوق‌الذکر عمده‌ترین مراکز مطالعاتی پاکستان هستند گرچه مؤسسات مختلف دیگری نیز در این زمینه فعالیت دارند. هدف این مؤسسات فراهم آوردن نتیجه‌ای از تحقیقات در زمینه تحولات داخلی و بین‌المللی برای تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گزاران می‌باشد تا به آنها در اتخاذ سیاست‌ها و یا تعدیل آنها کمک نمایند. همچنین آگاهی عمومی از تحولات داخلی و بین‌المللی را به منظور شکل دادن به اطلاعات و افکار عمومی و درک وقایع جاری و آینده تقویت نمایند.

این مراکز با انتشار و ارسال تحقیقات خود به صورت‌های مختلف سعی دارند به توسعه نهادهای ملی و رشد یک سیاست خارجی موفق در این کشور کمک کنند. رهبران این مؤسسات اقبال مختلفی از تکنوکرات‌ها، سفرای سابق پاکستان، بازنشستگان و وزارت امور خارجه، اساتید

1. Islamabad Policy Research Institute (IPRI)

2. Foundation for Research on National Development of Security (Friends)

دانشگاه و حتی ژنرال‌های بازنشسته ارتش را تشکیل می‌دهند و هر یک سعی دارند با استفاده از تجارب خود روند کار این مؤسسات را ارتقاء بخشند.

فعالیت‌های این مراکز

ابزارهایی که این مؤسسات برای دستیابی به اهداف خود از آنها استفاده می‌کنند عبارتند

از:

۱. انتشار کتب و نشریات - اغلب این مؤسسات دارای فصلنامه‌هایی هستند که به طور مرتب منتشر شده و در زمینه‌های مختلف، وقایع بین‌المللی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. مجله "پاکستان هورایزن"^۱ فصلنامه مؤسسه امور بین‌المللی پاکستان است که اولین شماره آن در سال ۱۹۴۸ انتشار یافت. محتوای این مجله را موضوعاتی نظیر مقالات، سخنرانی‌ها و دیدگاه‌های مختلف نسبت به مجله و گاه‌شمار تشکیل می‌دهد. مقالات و مطالب این مجله در مجلات، کتب و روزنامه‌های کشورهای دیگر نیز مورد بررسی و استفاده قرار می‌گیرد. مجله "مطالعات منطقه‌ای"^۲ فصلنامه تحقیقی مؤسسه مطالعات منطقه‌ای اسلام‌آباد است. مقالات تحقیقاتی که به وسیله محققان این مؤسسه نوشته می‌شود، غالباً در نشریه اسناد سیاسی بین‌المللی چاپ پاریس خلاصه می‌شود.

مطالعات استراتژیک،^۳ فصلنامه مؤسسه مطالعات استراتژیک اسلام‌آباد است که شامل مقالات و گزارش‌هایی در مورد ابعاد مختلف صلح و امنیت بین‌المللی است. این مجله شماره‌های ویژه‌ای را نیز به مطالب مهم بین‌المللی نظیر پی‌آمدهای واقعه ۱۱ سپتامبر^(۹) و گزارش کنفرانس‌های انجام شده در این مؤسسه اختصاص داده است.^(۱۰)

فصلنامه توسعه و امنیت ملی،^۴ فصلنامه بنیاد تحقیق برای توسعه و امنیت ملی است.

1. Pakistan Horizon
2. Regional Studies
3. Strategic Studies
4. National Development and Security

مقالات این فصلنامه در زمینه مسائل امنیت ملی، امور سیاسی جاری، همکاری منطقه‌ای، روابط بین‌الملل، مسائل استراتژیک، حقوق بشر و سلاح‌های هسته‌ای است.

هر یک از این مؤسسات در حیطه فعالیت‌ها و تحقیقات خود در زمینه مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی کتاب‌هایی را چاپ می‌کنند.

۲. برگزاری سمینارها و سخنرانی‌ها- اغلب این مؤسسات سمینارهایی با شرکت کارشناسان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی درباره موضوعاتی که دارای اهمیت ویژه‌ای برای پاکستان می‌باشد، برگزار می‌کنند. نتیجه این سمینارها نیز در مجموعه‌هایی منتشر می‌شود.

همچنین این مؤسسات از افراد مشهوری که درک و ویژه‌ای از مسائل مهم مورد نظر مؤسسات مزبور دارند برای سخنرانی دعوت به عمل می‌آورند. به دنبال سخنرانی‌ها، اغلب بحث‌های غیررسمی در قالب پرسش و پاسخ برای تبادل نظر انجام می‌شود. حاصل این مباحث نیز برای علاقمندان ارسال می‌شود. چنین جلسات سخنرانی به طور ادواری در این مؤسسات وجود دارد.

۳. همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه- مؤسسات و مراکز مطالعاتی پاکستان در زمینه هدف‌ها و مقاصد خود، همکاری با مؤسسات مشابه داخلی و خارجی را دنبال می‌کنند. این همکاری در زمینه امور زیر انجام می‌شود:

۱. انجام مطالعات تحقیقاتی مشترک درخصوص موضوعات توافق شده دوجانبه؛

۲. برگزاری سمینارها، سمپوزیوم‌ها و کنفرانس‌های توافق شده؛

۳. مبادله محقق و کارشناس و اعطای بورس؛

۴. اجرای طرح‌های تحقیقاتی در زمینه موضوعاتی که مورد نظر مؤسسه است.

مراکز مطالعاتی پاکستان همچنین با همکاری بعضی از مراکز مطالعاتی خارجی نظیر بنیاد هانس زایدل آلمان^۱ که در پاکستان نمایندگی دارند اقدام به فعالیت‌های مشترک، نظیر برگزاری سمینار می‌کنند و نتایج مقالات رادر یک مجموعه به چاپ می‌رسانند. مراکز مطالعاتی پاکستان در

1. Hanns Seidel Foundation

- این زمینه توانسته‌اند از کمک‌های خارجی در زمینه برگزاری سمینارها به خوبی استفاده کنند.^(۱۱) عمده‌ترین مباحثی که این مراکز تحقیقاتی مورد بحث قرار می‌دهند عبارتند از:
۱. هند و مسائل مرتبط با آن - همانطور که اشاره شد مسأله هند و درگیری‌های گذشته و تنش این کشور با پاکستان از آنجا که امنیت ملی پاکستان را مورد تهدید قرار می‌دهد، در سیاست خارجی پاکستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسأله کشمیر در این زمینه مورد توجه خاص است و بخشی از تحقیقات را در بر می‌گیرد. از این جهت در تمامی مراکز مطالعاتی بخش ویژه‌ای به مباحث مختلف در این زمینه اختصاص دارد.^(۱۲)
 ۲. مسائل و مباحث هسته‌ای - از دیگر مسائل مرتبط به سیاست خارجی پاکستان مسأله تسلیحات هسته‌ای می‌باشد. پاکستان در مقابل آزمایش اتمی هند در ۱۹۹۸ اولین آزمایشات اتمی را در همان سال انجام داد. مسأله اتمی شدن شبه قاره هند از مسائل اساسی مورد بررسی در مراکز مختلف پاکستان است و این مراکز این مسأله را بسیار مرتبط با منافع ملی دانسته و از ابعاد مختلف به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازند. آزمایش اتمی هند و پاکستان نه تنها ابعاد و پی‌آمدهای منطقه‌ای داشت بلکه پی‌آمدهایی در سطح بین‌المللی به دنبال داشت که حتی سبب وضع تحریم‌هایی علیه پاکستان گردید.^(۱۳)
 ۴. مباحث استراتژیک و نظامی نیز از مباحث عمده دیگر در مراکز مختلف تحقیقاتی می‌باشد که به دلیل نقش برجسته تنش و درگیری‌های پاکستان با هند در این کشور اهمیت ویژه‌ای یافته است. تحقیقات بسیاری در این زمینه به خصوص در مرکز مطالعات استراتژیک اسلام‌آباد صورت گرفته است. مباحثی نظیر صلح و امنیت نیز از موضوعات مرتبط با مباحث استراتژیک هستند که در تحقیقات مورد توجه خاص می‌باشند.^(۱۴)
 ۵. منطقه شبه قاره هند و رابطه پاکستان با کشورهای مختلف در این حوزه و مسأله تقابل میان پاکستان و هند در روابط با این کشور و سلطه بر منطقه از ابعاد گوناگون استراتژیک، اقتصادی، نظامی و دیگر ابعاد مطلب دیگری است که مراکز مطالعاتی در پاکستان آن را مورد بحث و بررسی و توجه قرار می‌دهند.^(۱۵)
 ۶. افغانستان، همانطور که ذکر شد، از اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی پاکستان برخوردار

بوده و هست. سیاست خارجی پاکستان در قبال این کشور (سیاست افغانی)، روابط با دولت‌ها و گروه‌های مختلف در این کشور، نفوذ و روابط کشورهای مختلف با افغانستان، ارتباط پاکستان از طریق افغانستان با آسیای مرکزی از مسائل مختلف مورد بحث در این مراکز مطالعاتی است. از آنجا که سیاست پاکستان قبل از ۱۱ سپتامبر بر اساس حمایت از طالبان بود و پس از ۱۱ سپتامبر این سیاست به کلی تغییر کرد، جهت‌گیری و مواضع گروه‌های مختلف و اثرات و ابعاد مختلف این تغییر سیاست و دیگر مطالب مرتبط با آن از موضوعات مورد بحث در نشریات این مراکز بود.^(۱۶)

۷. اهمیت ایران به عنوان یک کشور همسایه، مسلمان و استراتژیک و نقش این کشور در منطقه از مطالب مورد بحث در این مراکز مطالعاتی است. غالباً در این مراکز افرادی وجود دارند که متخصص ایران هستند و با زبان فارسی آشنا می‌باشند.^(۱۷)

۸. مطالب مهم بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله مباحث مورد بحث مراکز مطالعاتی پاکستان است. به عنوان مثال مسأله ۱۱ سپتامبر که از ابعاد بین‌المللی و منطقه‌ای گسترده‌ای برای پاکستان برخوردار بود در مراکز مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و برخی از این مراکز شماره‌های ویژه‌ای از نشریات خود را به بررسی این مسأله اختصاص دادند و یا سمینارهایی در مورد بررسی ابعاد مختلف آن برگزار نمودند. مسائل مرتبط با مسأله ۱۱ سپتامبر نظیر تروریسم نیز از موضوعات مورد تحقیق این مراکز است. به ویژه از این جنبه که این مسأله در تنش‌ها و درگیری‌ها با هند نقش مهمی ایفا می‌کند. دو کشور یکدیگر را به حمایت از تروریست‌ها علیه دیگری متهم می‌کنند.^(۱۸)

۹. روابط با قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا و چین به ویژه در تقابل با هند برای پاکستان دارای نقش برجسته‌ای می‌باشند و اغلب بخش‌هایی در مراکز مختلف مطالعاتی پاکستان به این کشورها اختصاص داده شده است.^(۱۹)

۱۰. کشورهای آسیای مرکزی نیز از حوزه‌های دیگری هستند که مراکز مطالعاتی پاکستان در مورد آن تحقیق می‌کنند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل این کشورها، از آنجا که این منطقه به آبهای آزاد دسترسی نداشتند، پاکستان در صدد بود که راهی برای دسترسی این کشورها به آبهای گرم باشد و در مورد انتقال سرمایه‌گذاری‌ها از طریق این کشور به منطقه و انتقال

مواد خام از آن کشورها به دنیای خارج از طریق پاکستان برنامه‌ریزی و سازماندهی کند. به طور ویژه مرکز مطالعات آسیای مرکزی در دانشگاه پشاور در این زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی ارائه می‌دهد. (۲۰)

نتیجه

به طور کلی در زمینه نقش پژوهش در سیاست خارجی پاکستان نکات مثبت و منفی وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. نکات مثبت - خصوصیت و ویژگی که این مراکز از آن به خوبی بهره‌مند هستند استفاده از تجارب افراد مؤثر و سیاست‌مداران و نظامیان بازنشسته است که این مراکز از تجارب آنان به نحوی مؤثر در فعالیت‌های خود از جمله سمینارها، میزگردها و انتشارات استفاده می‌نمایند. مسأله دیگر استفاده از امکانات و تسهیلات و بورس‌های تحقیقاتی که کشورهای خارجی و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در اختیار می‌گذارند. مراکز تحقیقاتی پاکستان در راستای اجرای سیاست‌های تحقیقاتی خود از این کمک‌ها و تسهیلات به خوبی استفاده می‌نمایند و از این طریق تاحدودی کمبود بودجه خود را تامین می‌کنند.

آنچه جالب توجه است این است که گرچه دموکراسی در پاکستان به دلیل نقش قیم بودن ارتش درست عمل نکرده و هیچ دولتی پس از استقلال، دوره قانونی خود را سپری ننموده ولی پاکستان تاحدودی استانداردهای اجتماعی مثبت انگلیس نظیر آزادی بیان و مطبوعات را به ارث برده است. مردم این کشور متأثر از این اندیشه اهل مطالعه هستند و آزادانه در دوران حکومت‌های مختلف حتی حکومت‌های نظامی تظاهرات کرده و عقاید خود را از طریق مطبوعات و دیگر رسانه‌ها اظهار می‌نمایند. این خصوصیت سبب شده که مطبوعات و دیگر رسانه‌ها در این کشور عرصه‌ای گسترده و آزاد برای فعالیت‌های سیاسی بوده و نظرات و عقاید مختلف از طرف اقشار مختلف جامعه به راحتی در زمینه همه مسائل داخلی و خارجی ابراز می‌شود. از این رو مراکز و مؤسسات تحقیقاتی در زمینه سیاست خارجی نیز تاحدودی از این آزادی عمل برخوردار هستند که دیدگاه‌های مختلف خود را در نشریات مؤسسه منتشر کرده و

زمینه تبادل آراء و نظرات حوزه‌ای گسترده می‌باشد. این امر به شکل‌گیری افکار عمومی کمک نموده که بعضی از مواقع همسوی با دولت بوده و بعضی از مواقع در جهت مخالف عمل می‌نماید. اما دولت می‌تواند در راستای توجیه سیاست‌های خود نیز از این مراکز تا حدودی استفاده نماید و برای توجیه سیاست‌های خود این مراکز را به سوی انتشار مقالات و تحلیل‌هایی در راستای تأثیر سیاست‌های خود سوق دهد.

۲. نکات منفی - با بررسی ساختار سیاسی پاکستان مشخص شد که نظامیان نقش عمده‌ای را در این ساختار ایفا می‌کنند. نهادهای دموکراتیک گرچه از ابتدای تاسیس این کشور شکل گرفته‌اند ولی نتوانسته‌اند حیاتی مداوم در ساختار سیاسی داشته باشند. خواه ناخواه راه کارهای متفاوتی که مؤسسات و مراکز تحقیقاتی در مورد تحولات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی برای سیاست‌مداران ارائه می‌کنند کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

مسئله دیگر این است که حجم عظیمی از بودجه کشور به بخش هزینه‌های نظامی و بازپرداخت دیون اختصاص دارد، بخش‌های توسعه‌ای نظیر مراکز تحقیقاتی سهم ناچیزی از بودجه و درآمدها را به خود اختصاص می‌دهند.

به طور کلی می‌توان گفت که جریانی که مراکز و مؤسسات پاکستانی در آن فعالیت می‌کنند روندی یک طرفه نیست بعضی از اوقات عقاید و نظرات دولت حاکم شده و مقالات و دیدگاه‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون از آن تبعیت می‌کنند و در مواقعی عقاید و نظرات مختلف راه‌کاری را ارائه می‌دهند که سیاست‌مداران را به سمت و سویی جدید هدایت می‌کند. البته باید در نظر داشت که پاکستان کشوری با تاریخ پنجاه ساله است و مراکز و مؤسسات تحقیقاتی آن نیز غالباً عمری کمتر از دو دهه فعالیت دارند و در نتیجه نباید انتظار داشت که اعمال نفوذ و نظرشان دامنه گسترده‌ای را دربرگیرد.

یادداشت‌ها

۱. برای آشنایی با حکومت نظامیان در پاکستان نگاه کنید به:

Stephen P. Cohen, *Pakistan Army* (Oxford: Oxford University Press), Nov. 1999.

K.M. Arif, *Khaki Shadows: The Pakistan Army 1947-1997* (Oxford: Oxford University Press), Oct. 2000.

Brian Cloughley, *History of the Pakistan Army: Wars and Insurrections* (Oxford: Oxford University Press), May 2000.

Christoph Jaffrelot, Gillian Beaumont, *A History of Pakistan*, Anthem Press, 2002.

2. Mushahid Hussain, *Pakistan's Politics: The Zia Years*, (Lahore: Sh. Reza Mihdi), 1990.

3. Musa Khan Jalazai, *The Foreign Policy of Pakistan*, (Lahore: Dua Publications), 2001.

4. Mushahid Hussain, Aim of Pakistan Government, *Nation*, 18 Jun, 2002.

۵. معرفی مؤسسه امور بین‌المللی پاکستان در بخش گزارش‌های این مجله ارائه شده است.

۶. زیبا فرزین‌نیا، "نگاهی به مراکز عمده تحقیقاتی پاکستان"، مجله سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره ۳، پائیز ۱۳۸۰، ص ۹۴۱.

۷. نسرین مصفا، "بنیاد تحقیق برای توسعه و امنیت ملی"، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۳، ص ۶۳۱.

۸. زیبا فرزین‌نیا، کتاب سبز پاکستان، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه)، ۱۳۸۰، ص ۴۳.

9. The Institute of Strategic Studies Islamabad, *Strategic Studies*, Special Issue, No. 3, Vol. XXII, Autumn 2002.

10. The Institute of Strategic Studies Islamabad, *Peace and Security in South Asia*, Proceedings

of the International Conference at the Institute of Strategic Studies, Islamabad, September 19-20, 2002.

۱۱. برگزاری سمینار "چشم‌انداز امنیت در آسیای غربی و مرکزی" با همکاری مؤسسه هانس زایدل و مؤسسه تحقیقات سیاسی اسلام‌آباد در ۲۸ اوت ۲۰۰۲ در اسلام‌آباد از جمله این همکاری‌هاست.

۱۲. برای نمونه نگاه کنید به:

Zafar Nawaz Jaspal, India's Endorsement of US BMD: Challenges for Regional Stability, *IPRI Journal*, Vol. 1, No. 1, Summer 2001.

Stephen Philip Cohen, Kashmir- Territory and People: An America Perspective, *IPRI Journal*, Vol. 1, No. 1, Summer 2001.

۱۳. برای مثال نگاه کنید به:

Rabia Umar Ali, Zulfikar Ali Bhutto and Pakistan's Nuclear Programme, *National Development and Security*, Vol. X, No. 4, Summer 2002.

۱۴. نگاه کنید به:

Tehmina Mohamood, Peaceful Resolution of Kashmir Dispute: India's Avoidance, *Pakistan Horizon*, Vol. 54, No. 4, Oct. 2001.

۱۵. برای نمونه نگاه کنید به:

Magbool Ahmad Bhatti, Terrorism and Religious Extremism in South Asia, *Regional Studies*, Vol. XX, No. 2, Spring 2002.

۱۶. نگاه کنید به:

S. H. Zaidi, The Taliban Venture and the Lessons for Pakistan, *Pakistan Horizon*, Vol. 54, No. 4, Oct. 2001.

۱۷. نگاه کنید به:

Kashif Mumtaz Ghuman, Iran-US Relations in the Post-9/11 Days: Problems and Prospects, *Strategic Studies*, Vol. XXII, No. 3, Autumn 2002.

۱۸. نگاه کنید به:

Shireen M. Mazari, Pakitsn in the Post-9/11 Milieu, *Strategic Studies*, No. 3, Vol. XXII, Autumn 2002.

Shireen M. Mazari, Terrorism: A Consequence of Globalization?, *Strategic Studies*, Vol. XXII, No. 4, Winter 2002.

۱۹. برای نمونه نگاه کنید به:

Ishrat Husain, Economic ties between China and Pakistan, *Pakistan Horizon*, Vol. 54, No. 3, July 2001.

۲۰. نگاه کنید به:

K. M. Asaf (Ed.), *Central Asia Internal and External Dynamics*, (Islamabad: Institute of Regional Studies, 1997).

